



پژوهشی در زندگی و آثار ملافتح الله کاشانی

حسین ستار*

چکیده:

نوشته پیش رو در پی معرفی یکی از معروف‌ترین مفسران پارسی‌زبان و فارسی‌نویس سده دهم هجری، ملافتح‌الله کاشانی است. هر چند از این عالم، تألیفات متعدد و ارزنده‌ای در دست است، نیز کتاب تفسیری قیم او با عنوان *منهج الصادقین* در عالم تشیع پارسی، شهرت به‌سزایی دارد، درباره چهره تاریخی او گزارش چندانی نداریم. در این نوشتار، در پی آنیم تا با گردآوری و تحلیل گزارش‌های متفاوت و گاه متضاد از شخصیت آن بزرگوار، تا حدی در شناسایی او بکوشیم. در پایان نیز، نگاهی تحقیقی به دو اثر ارزنده او در ترجمه و تفسیر قرآن و *نهج البلاغه* خواهیم داشت.

کلیدواژه‌ها:

ملافتح‌الله کاشانی، ابوالحسن علی ابن حسن زواره‌ای، تفاسیر فارسی، *تنبيه الغافلین* و *تذكرة العارفين*، *منهج الصادقین*.

* مربی گروه قرآن و حدیث دانشگاه کاشان

پژوهشی در
زندگی و آثار
ملافتح‌الله کاشانی



مقدمه

الف. قرآن به عنوان حبل متین و کتاب مبین، اصلی‌ترین منبع دینی مسلمانان در طول تاریخ، همواره مورد احترام بوده و در محل فهم و تفسیر مسلمین برای اخذ مقاصد الهی و فرامین دینی قرار داشته است.

مسلمین با همه تنوع و فرق، گرد این کتاب آمده و با مذاق و روش‌های مختلف در صدد فهم و رسیدن به لایه‌های درونی آن برآمده‌اند. از این رو علم تفسیر، قدیمی‌ترین دانش اسلامی در این حوزه تمدنی است که به دست رسول خدا بنیان‌گذاری شد؛ چراکه یکی از وظایف آن حضرت به نص صریح قرآن، تفسیر و تبیین مقاصد این کتاب بزرگ بود. (نحل: ۴۴) پس از آن ائمه معصومین (ع) ما در مجموع سخنان و سیره خود این روش را ادامه دادند.

از آنجا که قرآن به زبان عربی و در میان امت عربی نازل شده بود، بالطبع تفاسیر نیز با این زبان و خط نگاشته می‌شد. بعد از گذشت چند قرن علما و مفسران مسلمان از دایره حوزه‌های دیگر ملل، با انگیزه عمومی کردن تفاسیر و قابل فهم عموم کردن آن بر این شدند که تفاسیر را به زبان‌های دیگر نیز بنگارند. طبیعی است که انگیزه اولیه در تدوین این کتب نه بیان کاملاً علمی و محض و تخصصی تفسیر، بل گونه‌ای تفسیر برای غیر آشنایان به زبان عربی و توده‌های علاقه‌مند به این علم قدسی بود. ایرانیان نیز که از اولین ملل گرونده به اسلام بودند، از این قاعده مستثنی نبوده، بلکه از پیش‌قراولان این ایده و از مبتکران آن بودند.

اولین تفسیر فارسی، بعد از چهار قرن از ظهور اسلام و توسط گروهی از دانشمندان ماوراءالنهر و در عصر سامانیان و در ترجمه تفسیر طبری، همراه با تلخیص آن نگاشته شده است. این ترجمه به دستور «منصور ابن نوح ابن نصر ابن احمد ابن اسماعیل سامانی» (۳۵۰-۳۶۶ ق) و در حدود سال ۳۵۲ هـ ق نگاشته شده است. (نخستین مفسران پارسی‌نویس، ص ۱۱۵)

آن‌گونه که از مقدمه ترجمه تفسیر طبری برمی‌آید یکی از مشکلات در تفاسیر و

تراجم فارسی از قرآن تردید در جواز شرعی این عمل بوده است:

«امیر سید مظفر ابوصالح علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و این از ایشان فتوا کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم. گفتند روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند از قول خدای عزّ و جل که گفت: "وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ" گفت من هیچ پیغامبری را نفرستادم مگر به زبان قوم او و آن زبانی گایشان دانستند. و دیگر آن بود کاین زبان پارسی از قدیم باز دانستند از روزگار آدم تا روزگار اسماعیل پیغامبر(ع)، همه پیغامبران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتندی، و اول کس که سخن گفت به زبان تازی اسماعیل پیغامبر بود(ع) و پیغامبر ما صلی الله علیه از عرب بیرون آمد و این قرآن به زبان عرب بر او فرستادند و اینجا بدین ناحیت زبان پارسی است و ملوکان این جانب ملوک عجم اند.» (ترجمه تفسیر طبری، ۱/ ۵)

در بعضی دیگر از تفاسیر قرن چهارم نیز به همین فتوا استناد شده است. (نخستین مفسران پارسی نویس، ص ۱۱۶) هر چند نمی توان از بعضی از موارد دیگر در باب سختی ترجمه قرآن هم چون تسلط زبان عربی بر حوزه تمدن اسلام و نیز ظرافت های ویژه قرآن در ترجمه همراه با معنایی کامل نیز غفلت نمود.

از آن پس، دیگر مفسران ایرانی نه در پی ترجمه صرف، که در پی تدوین کتب تألیفی و تفسیر به زبان فارسی برآمدند و به مرور زمان شاهد شکوفایی این علم در حوزه نگاشت های پارسی در دنیای تفسیر بودیم؛ هر چند دانشمندان ایرانی علاقه ویژه ای به تدوین و نگارش تفاسیر به زبان عربی داشتند، همان گونه که این سنت را در باب تفسیر و ترجمه دیگر متون حدیثی و نهج البلاغه و ادعیه نیز ادامه دادند.

امروزه ما با ذخیره های گرانمایه از این متون اسلامی روبه رو هستیم که جدا از آنکه دارای ارزش فراوان در بین تفاسیر قرآنی می باشند، به لحاظ برخورداری از ادب فارسی نیز دارای قابلیت های فراوان اند. «تفاسیر فارسی، گنجینه های نفیسی است که هم از نظر شرح و بیان سخنان خداوند و هم از نظر آشنایی با واژه های

کهن پارسی (مستعمل یا نامستعمل در زبان پارسی امروز) و طرز جمله‌بندی و نگارش و اختصاصات انشایی و سبک‌شناسی، مفردات و مرکبات لغات و واژه‌ها حائز اهمیت و توجه بسیار است و به عبارت دیگر، هم مورد استفاده اهل معنا و معرفت است و هم شایسته تحقیق و تعمق و پژوهش اهل زبان و ادب و زبان‌شناسان.» (هزار سال تفسیر فارسی، ص ۶)

تفسیر سورآبادی، نسفی و تاج التراجم در قرن پنجم و کشف الاسرار و عده الابرار و تفسیر ابوالفتوح رازی در قرن ششم، حدائق الحقایق و تفسیر گازر در قرن نهم، تفسیر منهج الصادقین در قرن دهم و تفسیر شریف لاهیجی در قرن یازدهم، از مهم‌ترین این تفاسیر می‌باشند که سرآمدی و ذوق و علاقه و شیفتگی ایرانیان را به حوزه تمدن اسلامی نشان می‌دهند.^۳

ب. دوران صفویه، دوران ترویج پارسی‌نویسی علما و اندیشمندان شیعی مسلک ایرانی است. با روی کار آمدن دولت صفویه و ترویج تفکر شیعی، نیاز به متونی که بتواند در دسترس عامه مردم فارسی‌زبان و غیر آشنایان به زبان عربی قرار بگیرد، به شدت احساس می‌شد. از این رو، علمای بزرگوار در کنار کتب تخصصی، دست به تدوین و تألیف کتب فارسی زدند، از ترجمه متون مقدسی چون قرآن و نهج البلاغه، تا تدوین کتب کلامی و تفسیری به زبان فارسی. حتی مرحوم فیض کاشانی با همه علو مقام علمی، سوره حمد را ترجمه کرد. بیشترین آثار قرآنی این سده، به زبان فارسی و برای اقشار عمومی جامعه تألیف شده است. جواهر التفسیر، مواهب عالیّه، منهج الصادقین، خلاصه منهج، تفسیر شاهی، تفسیر خواجه شرف‌الدین الهی (م ۹۵۰)، ترجمه الخواص زواره‌ای و تفسیر دولتشاهی (زنده در سال ۹۸۴) از جمله تفاسیر فارسی‌اند که در این سده به نگارش درآمده‌اند. البته این حرکت بعدها گسترش بیشتری یافت تا جایی که بعدها در قرن ۱۴ و ۱۵ بیشترین تفاسیر قرآن را در ایران، تفاسیر فارسی تشکیل می‌دهد. (سیر تطور تفاسیر شیعه، ص ۸۹-۹۰)

ج. شهر کاشان در نزدیکی پایتخت صفوی- اصفهان- در دوران صفویه، یکی از

درخشان‌ترین دوران علمی خود را طی می‌کند. با ورود محقق کرکی به این شهر در اوایل دوره صفویه، نهضت علمی شیعی این دیار، بار دیگر جان می‌گیرد و از این پس، شاهد حضور بزرگانی از شیعه در این دیار هستیم که یا در این حوزه، رشد و به بلوغ علمی رسیده‌اند همچون مرحوم زواره‌ای، ملا فتح‌الله، فیض کاشانی و یا دوره‌ای از فراگیری دانش را در این حوزه طی نمودند مانند ملا صدرا.^۴

این نوشتار در پی معرفی نویسنده یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین و پراقبال‌ترین تفاسیر پارسی یعنی ملا فتح‌الله شریف کاشانی و کتاب تفسیر اوست. د. اطلاعات و تاریخ به جا مانده از این عالم شیعی در مقایسه با همگان او و نیز با توجه به اهمیت و تنوع نگاشته‌های او بسیار کم و حیرت‌آور است.

مرحوم ملا حبیب‌الله شریف در کتاب *لباب الالتاب* با اینکه در قسمت «فیمن یذکر مصدرا بلفظ الملا او المیرزا او بهما او بنحو ذلک» (معرفی کسانی که با لفظ ملا و میرزا و مانند آن معرفی شده‌اند) از او یاد می‌کند و می‌نویسد که من کسی را ندیدم که در رجال علما از او یاد کرده باشد. (لباب الالتاب، ص ۸۰) سپس ادامه می‌دهد که «یشهد مؤلفاته بانه کان عالما فاضلا جامعاً للمعقول و المنقول و فقیها کاملاً فی اللغات و الادبیات و الاصول... فمما یقضى به العجب ان مثل هذه الفاضل الكامل کیف ینخفی حاله عن العلماء و لا یذکر فی عداد الفضلاء و ظنی انه کان عالماً فقیراً لم یساعده الجد و لم یسعده مال الدنیا حیثما وجد و لم یکن حریصاً علی جمع الطریف و التالد... و حسن الذکر فی اکثر الازمنة بکثرة المال لا بالزهد و العلم و الکمال.» (همان، ص ۸۱-۸۲)

نوشته‌های وی گواهی می‌دهد به اینکه او، عالمی فاضل و جامع علوم معقول و منقول، فقیه و مسلط به لغت، ادبیات و اصول بوده است... تعجب از این است که چگونه احوال این عالم مخفی مانده و در عداد فضلا یاد نشده؟ بر این باورم که او به سبب فقر و عدم تمکن دنیوی و از آن روی که در پی جمع مال و اموال نبوده (چنین گمنام مانده)... نام نیکو و شهرت در اکثر دوران‌ها بسته به مال و اموال است نه زهد و علم و کمال.^۵

زندگی نامه

فتح الله ابن شکرالله معروف به ملا (مولی) فتح الله شریف کاشانی از مفسران به نام قرن دهم است. وی از بزرگترین مفسرین اسلامی و متوفی سال ۹۸۸ هـ.ق (۱۵۸۰ م) می باشد. (الذریعه، ۲۳ / ۱۹۴؛ طبقات اعلام الشیعه، ۴ / ۴۷۷؛ اعیان الشیعه، ۳۹۳ / ۸ و کشف الظنون، ۲۰ / ۵۹۲)^۶

این در حالی است که هیچ یک از کتب تاریخی، به سال تولد او اشاره ای نکرده و صرفاً او را به قرن دهم نسبت داده اند. بنابراین، تاریخ تولدی از او در دست نداریم.

بررسی ادعای کشف الحجب

در این بین ادعای سید امیر اعجاز حسین (برادر میر حامد حسین) مؤلف کتاب کشف الحجب و الاستار عن احوال الکتب و الاسفار، عجیب و منحصر به فرد و غیر قابل قبول است. وی هم سال فوت ملا را ۹۹۷ هـ.ق (ص ۱۴۳ و ۲۰۸) نگاشته و هم محل دفن او را کشمیر (همان، ص ۲۰۸) دانسته است. مؤلف طبقات اعلام الشیعه نیز، قول کشف الحجب را به تاریخ ۹۸۸ ق که صاحب روضات و دیگران بدان معتقدند، مقدم می نماید.^۷ (۴ / ۱۷۷)

به دلایل زیر این ادعا قابل قبول نمی باشد:

۱. هیچ مدرک تاریخی در سفر ملا فتح الله به کشمیر و ارتباطی با آن حوزه در تاریخ به دست نیامده است.

۲. مقبره مرحوم ملا فتح الله در کاشان از دیر زمان معروف و دارای ساختمان مخصوص چهار طاقی در ابتدای جاده قمصر و در خیابانی که امروزه ملا فتح الله نامیده می شود، واقع است. ملا حبیب الله شریف نیز از مقبره او به عنوان مکانی معروف و مشهور که زیارتگاه خاص و عام و محل نذورات در کاشان است، یاد می کند و خانه او را نیز در همان نزدیکی می داند.^۸ (لباب الالقاب، ص ۸۱)

شخصیتی که همانا او با ملا فتح الله کاشانی موجب این اشتباه در گفتار مؤلف کشف الحجب شده، مرحوم فتح الله شیرازی است. وی که از علمای این دوره است،

به دعوت شاه علم‌دوست بیجاپور به هندوستان رفت و به مرور در جرگهٔ خاصان و دوستان اکبر شاه قرار گرفت. همراه با اکبر شاه در سفری که به کشمیر داشت، مریض شد و فوت نمود و در همان‌جا مدفون گشت. تردیدی نیست که با توجه به یکسان بودن تاریخ فوت فتح‌الله شیرازی با آنچه صاحب کشف الحجب ادعا کرده، وی سال فوت او را به ملا فتح‌الله کاشانی نسبت داده است. این از آن رو بوده که سید امیر اعجاز حسین، از شبه جزیرهٔ هندوستان بود و با علمای آن حوزه آشنایی بیشتر داشت.

مرتضی حسین صدر الافاضل، نیز این اشتباه را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «عده‌ای، بعضی از کتاب‌های ملا فتح‌الله کاشانی را تحت عنوان تفسیر منهج الصادقین، خلاصه المنهج، ترجمه نهج البلاغه و ترجمه قانون بوعلی سینا (تألیف فتح‌الله ابن فخرالدین شیرازی) فقط به خاطر شباهت نام به غلط به میر فتح‌الله منسوب کرده‌اند.^۹ (مطلع الانوار، ص ۴۳۳)

نبش قبر و احیای وی

از داستان‌های معروف در مورد آن بزرگوار در مصادر تاریخی، داستان احیای او پس از سکنه و به امانت‌گذاری جنازهٔ او در دخمه‌ای برای انتقال جسد به نجف است.^{۱۰}

صاحب تاریخ کاشان می‌نویسد: «گویند در حین نوشتن آن کتاب (منظور منهج التفسیر است) به مرض سکنه مسکوت شد و اطبا به فوت او متفق شدند. بعد از غسل و کفن برای آنکه هنگام ارتحال مکاری تحویل حمل به نجف اشرف دهند، نعش او را در دخمه گذارده، درش چنان‌که معهود است، با آجر و گچ محکم کردند. شامگاه به هوش آمد، از واقعه مستحضر شد. دست به اطراف کشید تا به درگاه دخمه رسید. دانست که با دست و ناخن در این در و دیوار متین رخنه و ثلمه نشاید و از این مهلکه رهایی نتوان. در دل گذرانید که هر گاه از این ورطه رهایی یابد، پای در دامن عزلت پیچد و تا کتاب تفسیر را به نهایت نرساند، به هیچ کار اقدام نکند.

مقارن این حال مرد بنا را به خاطر رسید که تیشه خود را درون دخمه نهاده، بی‌توان بدوید، درگاه دخمه را بگشود. ملا فتح‌الله به خانه آمده، باب مراوده مسدود [کرد] و هیچ نیاسود تا از عهده عهد به در آمد و بعد از چندی، داعی حق را لبیک اجابت گفت.» (تاریخ کاشان، ص ۲۷۹ و تاریخ نظم و نثر در ایران، ۱/ ۳۷۴)

ملا حبیب‌الله شریف از این گزارش به عنوان داستانی مشهور بر زبان‌ها (قد اشتهر علی الالسن) یاد کرده و در انتها می‌نویسد: «و هذه الحکایت قد یحکی عن الشارح الهادی ابن الصالح المازندرانی.» (لباب الالقاب، ص ۸۱)

این داستان در مورد شیخ طبرسی (متوفی ۶ ق) نیز به عینه نقل شده و او نیز نذر کرده در صورت نجات از دخمه، تفسیری بر قرآن بنویسد.

مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد: «و مشهور است بین مردم نسبت سگته و مدفون شدن و زنده شدن در قبر و نذر کردن نوشتن تفسیر به قرآن مجید و بیرون شدن از قبر به سبب نباش به این جناب ولکن در ریاض و روضات نسبت داده‌اند آن را به شیخ ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی.» (فوائد الرضویه، ص ۳۴۶)

سپس ایشان به نقل روضات، تفصیل این داستان را در مورد مرحوم طبرسی نقل می‌کند و در انتها می‌نویسد: «شیخ محدث ما فرموده که با این شهرت که ایشان گفته‌اند من این حکایت را در کتاب احدی قبل از صاحب ریاض نیافتم.» (همان، ص ۳۵۲)

این نکته نیز قابل تأمل است که با توجه به اهمیت این واقعه و نقش کلیدی آن در نگارش هر دو تفسیر، با نظری به روش متقدمان، محل ذکر این واقعه در ابتدای کتاب بود که در هیچ کدام نیامده است و از دیگر سو، یکسانی این گزارش در مورد اشخاص متعدد، آن را در محل ابهام بیشتری قرار می‌دهد.

اساتید ملا فتح‌الله

معروف‌ترین و تنهاترین استاد که از او سراغ داریم، ابو الحسن علی ابن حسن زواره‌ای است. (الذریعه، ص ۲۰ و ۲۷۶) همچنان که معروف‌ترین شاگردی که از زواره‌ای سراغ داریم، مرحوم ملا فتح‌الله است.

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



وی از بزرگ‌ترین شاگردان محقق کرکی، معروف به محقق ثانی است، اما تفسیر را از استادش غیاث‌الدین جمشید المفسر الزواری دریافت نموده است. او همچنین از میر عبدالوهاب ابن علی الحسینی الاسترآبادی نیز نقل حدیث می‌کند^{۱۱}. (طبقات اعلام الشیعه، ۴/ ۱۵۲)

از آثار او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ترجمه الخواص که تفسیر فارسی قرآن مجید است و به تفسیر زواری معروف می‌باشد. (ریحانة الادب، ۱/ ۱۳۵؛ روضات الجنات، ۴/ ۳۷۶ و الذریعه، ۴/ ۱۰۰)

از تاریخ نظمی که در انتهای کتاب آمده، به دست می‌آید که تاریخ اتمام آن، سال ۹۴۷ هجری است:

از فضل اله چون به اتمام رسید تاریخ وی از فضل اله است عیان این کتاب در دو مجلد تدوین یافته است: مجلد اول تا آخر سوره کهف و مجلد دوم از سوره مبارکه مریم تا آخر قرآن را در بر می‌گیرد.

نخستین بار در سال ۱۳۵۵ قمری در تهران به اهتمام محمدحسین مولوی، در حاشیه قرآن چاپ گردیده و بعدها شرکت سهامی طبع کتاب (۱۳۶۸ق) آن را با اضافاتی به نقل از تفسیر منهج الصادقین به چاپ رسانده است. (سیر تطور تفاسیر شیعه، ص ۸۷)

۲. روضة الانوار در شرح فارسی نهج البلاغه. (کشف الحجب، ص ۳۵۸؛ ریحانة الادب، ۱/ ۱۳۵؛ روضات الجنات، ۴/ ۳۷۶ و الذریعه، ۱۴/ ۱۳۶) این کتاب با نام روضة الانوار با شماره ثبت ۹۵۵۶ در کتابخانه دانشگاه تهران و به شماره ۱۱۸۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود. این شرح در سال ۹۴۷ ق، به پایان رسیده است. (تاریخ نظم و نثر در ایران، ۲/ ۳۷۱)

۳. ترجمه کشف الغمه موسوم به ترجمه المناقب. (ریحانة الادب، ۲/ ۳۹۳) این کتاب با مقدمه مرحوم شعرانی و تصحیح سید ابراهیم میانجی توسط نشر وادی الحوزه و کتابفروشی اسلامیه به زیور طبع آراسته گشته است.

۴. آثار الاخیار در ترجمه تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) که عکس نسخه خطی آن در مرکز احیای میراث اسلامی موجود است و نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری می باشد.

۵. ترجمه مکارم الاخلاق که به مکارم الکرائم نامیده شده است. آقا بزرگ تهرانی می نویسد: «کتاب در ترجمه مکارم الاخلاق الطبرسیه، مرتب در ۱۲ باب می باشد.» (الذریعه، ۱۵۰/۲۲)

۶. مفتاح النجاة در ترجمه عدة الداعی ابن فهد به فارسی است که بعضی از ادعیه فارسی را نیز به آن ضمیمه کرده و در خزانه الرضویه موجود است. (همان، ۳۵۵/۲۲)

۷. ترجمه احتجاج طبرسی به فارسی. صاحب ریاض ذکر می کند که نسخه ای از آن را در اصفهان دیده است. مؤلف این کتاب را به اسم شاه طهماسب صفوی تدوین کرده است. (همان، ۷۵ / ۴)

۸. مرآت الصفا که خاتمه آن در زیارات است. (همان، ۲۷۶/۲۰) صاحب ریاض گفته این کتاب در نزد آقا نجفی تبریزی موجود است و اول آن در مناسک حج و اعمال و ادعیه و نیز دارای جداول طول و عرض جغرافیایی برای تعیین قبله می باشد. (همان جا)

۹. مجمع الهدی. (همان، ۴۷ / ۲۰) صاحب ریاض می نویسد: «کتاب در چهل باب در قصص انبیا و ائمه می باشد و آن را چنین توصیف می کند: فارسی کبیر حسن الفوائد.» (همان جا)

۱۰. شرح صحیفه سجادیه که در سال ۹۴۷ از تألیف آن فارغ شده است. (همان، ۳۵۳/۱۳ و تاریخ نظم و نثر در ایران، ۳۷۱/۲)

۱۱. ترجمه اعتقاد صدوق که وسیله النجاة نام دارد. (الذریعه، ۸۸/۲۵ و ریحانة الادب، ۳۹۳/۲)

کتاب های زیر را نیز مؤلف ریحانة الادب (۳۹۳/۲) علاوه بر ذکر موارد فوق بدو انتساب داده، جز آنکه وی نامی از کتاب مرآت الصفا و مجمع الهدی نیاورده است:

۱۲. تحفة الدعوات که دربرگیرنده اعمال سال و ادعیه است.

۱۳. ترجمه اربعین حدیث شهید اول.

۱۴. لوامع الانوار در معرفت ائمه اطهار که نسخه خطی آن به شماره ۳۷۴ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می شود. علاوه بر موارد مذکور، کتابی نیز از ایشان با عنوان طراوة اللطائف که ترجمه الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، سید ابن طاووس است و به شماره ۱۰۸۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. همچنین بعضی محققین، کتاب های زیر را به او نسبت داده اند:

۱۵. چهل حدیث شریف (که احتمالاً منظور وی، همان ترجمه اربعین حدیث شهید اول است).

۱۶. خلاصه الروضه که ترجمه فارسی مناقب ابن شهر آشوب سر وی می باشد. اما محقق گرامی، منبع یا محل نگهداری کتب فوق را ذکر نکرده است. (مفسری گمنام و تفسیر او، ص ۴۷)

با مقایسه اجمالی این آثار و آثار ملا فتح الله مشاهده می شود علاوه بر اینکه هر دو بزرگوار - استاد و شاگرد - کتاب احتجاج طبرسی را ترجمه نموده اند، هر دو بر قرآن و نهج البلاغه شرح مفصلی نوشته اند و این جای سؤال است که به چه دلیل، هر دو در پی ترجمه یک کتاب برآمده اند و شاید مورخین یک کتاب را به هر دو نسبت داده اند همان گونه که آیت الله استادی نیز این احتمال را داده است. (آشنایی با تفاسیر، ص ۱۰۵) نکته دیگر اینکه هر دو مؤلف (استاد و شاگرد) کتاب تفسیری خود را در واکنش به تفسیر موهب علیه کاشفی نگاشته اند.

بررسی سخن مرحوم بهار در مورد زواره‌ای

مرحوم بهار، نیز علی ابن حسن زواره‌ای را از نویسندگان و مفسران نامی صفویه دانسته و تفسیر وی را از تفاسیری می داند که بعد از تفسیر طبری و ابوالفتح و گازر و جواهرالتفسیر ملا حسین واعظ کاشفی شهرت داشته است. وی، او را مردی

مفسر و فقیه و محدث و فاضل و ادیب که «در تصانیف و تراجم به تصوّف مایل بوده» معرفی می‌نماید.^{۱۲} (سبک‌شناسی، ۳/ ۳۰۳)

سعید نفیسی هم در شرح حال زوارهای به گرایش او به صوفیه یاد می‌کند و می‌نویسد: «یکی از نخستین کسانی است که در طریقه شیعه، کتاب‌هایی به زبان فارسی تألیف کرده و یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود به شمار می‌رود و از شاگردان محقق کرکی و شیخ علی عبدالعالی و سید غیاث‌الدین جمشید زواری و سید امیر عبدالوهاب ابن حسینی استرآبادی و استاد ملا فتح‌الله کاشانی، مفسر معروف و مایل به تصوّف بوده و در اصفهان می‌زیسته است. (تاریخ نظم و نشر فارسی، ۳۷۱/۲)

درباره تمایل زوارهای به تصوّف، نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. تمایل مرحوم زوارهای به تصوّف در هیچ جای دیگری ذکر نشده است و مشخص نیست مرحوم بهار و نفیسی به استناد چه منابع یا مطالبی، وی را به این گروه نزدیک می‌دانند.

زوارهای به لحاظ استعداد شگرف و پیشرفت قابل توجه در معارف اسلامی و کسب مدارج عرفانی، مورد سعایت ناهلان قرار گرفته و او را به صوفیگری و گرایش به تصوّف متهم کرده‌اند. البته وی اهل عرفان بود، ولی عرفان به معنای توجه به خدا و انقطاع از غیر او و زهد و وارستگی نه اهل صوفیگری و مریدبازی و مسایلی از این قبیل و مسلماً کسی که در فقه و حدیث و مسائل شرعی، مرجع عام و خاص است، از تصوّف چندان دل خوشی ندارد. (تفسیر ترجمه الخواص، ص ۳۹)

۲. خود مرحوم بهار در همین کتاب با اشاره به تسلط گفتمان اهل سنت در ایران قبل از صفوی می‌نویسد: «علمای شیعه با تصوّف سروکاری نداشتند، آن‌ها بیشتر رجال سیاسی و دیپلمات‌های بسیار زیرک و مبلغان قوی دست اجتماعی بودند.» (سبک‌شناسی، ص ۲۵۴) و نیز یادآور می‌شود که «صوفیگری در دوره شاه طهماسب (یعنی همان دوره مرحوم زوارهای) دیده نمی‌شد و صوفیگری واقعی از فقها و

اخباریان شکست خورد. در کتب شیعه، صوفیان را بی‌دین و اباحی شمردند و به ملای روم بد گفتند و نیز به قتل و احراق این طایفه فتوا دادند.» (همان‌جا)

وفات مرحوم زواره‌ای در اواسط قرن دهم (حدود ۹۶۰) بوده است. جای تعجب است که مردی با این تألیفات گسترده و خدمات ارزنده علمی و تحصیل در دامن بزرگواری چون محقق کرکی و تربیت شاگردانی همچون ملا فتح‌الله کاشانی در عرصه تاریخ و شرح زندگی به‌سان شاگرد خود مهجور مانده و اطلاعات تاریخی بسیار اندکی از او به ما رسیده است.

شاگردان ملا فتح‌الله

از تمام متونی که در زندگی این بزرگوار جستجو نمودم، جز یک شاگرد از وی نیافتم: رضی‌الدین شاه مرتضی (۹۵۰-۱۰۰۹ق). (الذریعه، ۷۹/۱۴)

وی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب و اصولی بوده است. عالم بزرگ دنیای تشیع، ملا محسن فیض کاشانی فرزند او می‌باشد. حوزه درس شاه مرتضی همانند تهجد و تقوا و کتابخانه بزرگ او در این شهر، شهرت فراوان داشته است.

فرزندان وی

کمبود اطلاعات و داده‌های تاریخی از این اسطوره درخشان در این قسمت نیز غباری از تاریکی بر چهره او افکنده است. در تاریخ، آنچه از فرزندان او سراغ داریم، یک پسر و یک دختر می‌باشد. پسر او علیرضا کاشانی، دارای کتابی است به نام *وسيلة النجاة* که نسخه‌ای از آن را مرحوم آقا بزرگ تهرانی در مکتبه امیرالمؤمنین (ع) در نجف دیده است. این کتاب در باب شرح چهل حدیث به زبان فارسی است که حدیث چهلم آن در باب جزیره خضراء است. وی در این کتاب خود را به «علی ابن فتح‌الله» و مشهور به «رضا» توصیف کرده است. (طبقات اعلام الشیعه، ۴۰/۵)

اما از آنچه مرحوم ملا حبیب‌الله شریف در کتاب *ارزنده‌ل‌باب الانقلاب* می‌گوید،

می‌توان دریافت که او دارای دامادی صاحب فضل و متبحر در علم تفسیر و آشنا به قلم ملا فتح‌الله بوده است. وی می‌نویسد: «چنین گفته شده است که تفسیر فارسی *منهج الصادقین* در هنگام فوت ملا، ناقص بوده و بعد از رحلت وی، توسط دامادش به اتمام رسیده است.» (لباب الالقباب، ص ۸۲ - ۸۳)

هر چند اصل ادعای ناتمام بودن تفسیر و اتمام آن توسط داماد وی صحیح نیست و در جای دیگر این گفتار به آن پرداخته‌ایم، اما مشخص می‌شود که داماد او دارای تبخری در این علم بوده که بتوان در باب او چنین نسبتی داد. البته از نام و شهرت و یا آثار احتمالی او چیزی در دست نداریم.

تالیفات

تالیفات این نویسنده کوشا را می‌توانیم به سه گروه مختلف تقسیم کنیم:

۱. تفسیر قرآن

۱-۱. *منهج الصادقین فی الزام المخالفین در تفسیر قرآن کریم*^{۱۳}

نخستین چاپ در تهران به سال ۱۲۹۶ق (۱۲۵۷ش) به اهتمام جهانگیر میرزا مشهور به میرزا آقا به چاپ سنگی و در یک مجلد قطع رحلی (۳ جلد در یک مجلد) بوده است. چاپ‌های بعدی این کتاب با مشخصات ذیل انجام گرفته است:

- تبریز، چاپ سنگی، ۳ جلد، قطع رحلی بزرگ، چاپ اول، ۱۳۰۵.

- تهران، چاپ دوم، مکتبه اسلامیة، ۱۳۸۶ق، قطع وزیری، تحقیق علامه ابوالحسن شعرانی.

- تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، مطبعة علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۵ق، ۱۰ جلد، قطع وزیری، به تصحیح علی‌اکبر غفاری و مقدمه و حواشی سید ابوالحسن مرتضوی.

۲-۱. *خلاصة المنهج*

تلخیص *منهج الصادقین* توسط مؤلف است و نسخه خطی آن در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) موجود می‌باشد. این

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



کتاب در سال ۱۳۶۳ق توسط انتشارات کتابچی و به تصحیح علامه شعرانی به چاپ رسیده است.

۳-۱. *زبدة التفاسیر به عربی*

این تفسیر به لحاظ حجم آن، متوسط بین تفسیر کبیر منهج و وجیز یعنی خلاصه المنهج است.

۲. *تفسیر نهج البلاغه*

۲-۱. *تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين*. (ریحانة الادب، ۲۰/۶۵)

۳. *ترجمه*

۳-۱. *ترجمه قرآن*

ترجمة القرآن به فارسی که آن را در حاشیه قرآن نگاشته است. (الذریعه، ۱۲۷/۴ و ریحانة الادب، همان جا)

۳-۲. *کشف الاحتجاج*

ترجمه احتجاج طبرسی به فارسی می باشد. وی کتاب را به اسم شاه طهماسب صفوی و با فارسی سلیس نگاشته است. نسخه ای از کتاب در مکتبه المشکات تهران به خط مولا مقصود ابن محمد امین موجود است. (الذریعه، ۱۸/۷-۸ و مدرس، ۱۳۶۹، ریحانة الادب، ۲۰/۶۵)

۳-۳. *ترجمه قواعد الاحکام*، تألیف علامه حسن ابن یوسف ابن مطهر حلّی. (تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۳۷۴) محقق دیگری این ترجمه را به او نسبت نداده است.

۴. *کلامی*

۴-۱. *اثبات واجب*

در سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، کتابی با نام اثبات واجب موجود به شماره ۶۷۹ است که دستخط خود مؤلف را داراست.

۴-۲. علامات ظهور و قیامت

در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۱۷۷۲ نسخه عکسی آن موجود است. این کتاب نیز همانند کتاب اثبات واجب در ذریعه و ریحانة الادب و ریاض و دیگر کتب تراجم مذکور نیست. کتاب در ۹۷ صفحه تدوین شده و نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه مدرسه سید بروجردی در کرمانشاه موجود است و تاریخ کتابت آن نیز ۱۲ قمری است.

در پایان تصحیح، اشتباهی که مؤلف محترم اعیان الشیعه نموده، قابل ذکر است. علامه امین در ذکر آخرین آثار مرحوم ملا فتح الله، دو کتاب دیگر به نام ملاذ الفقها و مادة التاریخ را ذکر می‌کند. (اعیان الشیعه، ۳۹۳/۸) آثاری از مرحوم ملا با این عناوین در دسترس نیست و آنچه سبب این سهو شده، آن است که این اسم اشاره به تاریخ وفات و ماده تاریخ رحلت مرحوم ملا فتح الله است (ملاذ الفقها) که مؤلف آن را از تألیفات او گرفته است.^{۱۴}

این بیت که منتسب به مرحوم محتشم کاشانی است، در ماده وفات ملا فتح الله بر سنگ قبر آن بزرگوار نگاشته شده است:

مفتی دین مبین کاشف قرآن مبین واقف سر قدر عالم اسرار قضا
هادی وادی تفسیر که در حل کلام خاطرش بود در اسرار یقین پرده گشا
فقها را چو ملاذی به جز آن قدوه نبود بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقها (= ۹۸۸ق)
(روضات: به نقل از مقدمه تفسیر منهج الصادقین، ص ۴۵، به قلم مرحوم شعرانی)

ما از بین مجموع آثار این بزرگوار، دو اثر را به طور اجمالی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین در شرح و ترجمه نهج البلاغه

- منهج الصادقین و الزام المخالفین در تفسیر قرآن

- بررسی شرح و ترجمه نهج البلاغه (تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین)

این عالم بزرگوار در چارچوب بسط تفکر شیعی و کمال استفاده از فرصت فراهم شده در دوره شاه طهماسب، به منظور آشنایی مردم ایران با این فرهنگ ناب

دست به ترجمه و شرح مختصر *نهج البلاغه* با عنوان *تنبيه الغافلین و تذكرة العارفين* می‌زند تا از این جرعه گوارای آسمانی مردم پارسی‌زبان را نیز بهره‌مند گرداند. این تفسیر را پس از تألیف *منهج* و خلاصه آن تألیف کرده است. (تنبيه الغافلین، ۲/۱) نکته حائز اهمیت در این باب این است که با تمام اقبال ایرانیان به تشیع علوی و سنت و احادیث به جا مانده از آن حضرت، به دلایلی که بر نگارنده نیز پوشیده است، نه تنها *نهج البلاغه* تا آن زمان به زبان فارسی برگردانده نشده بوده است بلکه مورد توجه تفاسیر روایی شیعی هم نیز نبوده است.

پیش از او - شرح الهی اردبیلی - ملا کمال‌الدین حسین ابن شرف‌الدین عبدالحق معاصر شاه اسماعیل صفوی - بر *نهج البلاغه* با نام *منهاج الفصاحه* نیز در همین راستا به تدوین رسیده بود. همان‌گونه که بعد از ملا فتح‌الله - شرح ملا محمد صالح ابن محمدباقر قزوینی روغنی از عالمان سده یازدهم و شرح ملا عبدالباقی صوفی تبریزی ملقب به دانشمند در گذشته به سال ۱۰۳۹ق در همین راستا تدوین یافت.

دکتر سید جعفر شهیدی در این باره می‌گوید: «سال‌ها بلکه قرن‌ها از تألیف کتاب *نهج البلاغه* گذشت تا فارسی‌زبانان عرب‌دان بر آن شدند تا این اثر را به فارسی برگردانند. تاریخ دقیق ترجمه فارسی این کتاب معلوم نیست. بسیاری از پژوهشگران بر آن بودند که نخستین ترجمه فارسی *نهج البلاغه* در سده دهم هجرت و در حکومت صفویان صورت گرفته است و دیرینه‌ترین ترجمه‌ای که آن را در اختیار داشتند، ترجمه جلال‌الدین حسین ابن شرف‌الدین اردبیلی معاصر اسماعیل صفوی است، و پس از آن ترجمه ملا فتح‌الله کاشانی متوفی به سال ۹۸۸ که آن را تنبیه *الغافلین* نامیده است.^{۱۴}

هر چند اکثر تراجم و کتاب‌شناسان از کتاب *تنبيه الغافلین* با عنوان *شرح نهج البلاغه* یاد کرده‌اند، اما این کتاب بیشتر، ترجمه *نهج البلاغه* است تا شرح و تفسیر آن.^{۱۵} کتاب *تنبيه*، در سال ۱۳۰۵ هجری و به همت مرحوم شکرالله رازی لواسانی، همراه با توضیحات و فهرست خطب و حکم در تهران به چاپ رسیده است. وی

در مقدمه کتاب، درباره تفسیر تنبیه می نویسد: «نزدیکتر به فهم قاطبه ناس از عوام و خواص بوده، زیاده از حد مرغوب و مطلوب عامه مردم گردیده، خاصه ارباب هنر و دانش و اهل علم و بینش... و میل ایشان را به این کتاب مثل میل صائم به هلال و مستسقی به آب زلال بوده. (تنبیه الغافلین، مقدمه لواسانی، ص ۱)

این کتاب در سال ۱۳۷۸ با تصحیح و ویرایش مرحوم محمدجواد ذهنی تهرانی، توسط انتشارات پیام حق در تهران مجدداً به طبع رسید؛ هر چند قبل از ایشان با توضیح منصور پهلوان و توسط انتشارات میقات نیز این کتاب چاپ شده بود. این شرح، با *منهاج الفصاحه الهی* اردبیلی بسیار مشابهت دارد و حتی در مواردی، کلمات و الفاظ کاملاً یکسان اند.^{۱۶}

سید صدرالدین دزفولی، در شرح خود بر *نهج البلاغه* با عنوان *منهج المعرفة* متذکر می شود که در کتابت آن بر شرح ملا فتح الله اعتماد و عین کلام او را نقل کرده است و برای تمییز کلام خود با او، از عبارت «حقیر می گوید یا قاصر می گوید»، استفاده نموده است. (الذریعه، ۱۹۸/۲۳) این نشان از توجه مفسرین بعد از ملا فتح الله به شرح از او *نهج البلاغه* است.

ملا فتح الله در این کتاب به دفاع از حقیقت تشیع و امامت می پردازد. از جمله در خطبه شقشقیه، ضمن اثبات سندیت و صحت خطبه و صحت استناد آن به حضرت علی (ع) می نویسد: «خطبه ای است که مشهور است به شقشقیه و متقصمه و درون خطبه مذکور است شکایت آن حضرت و تظلم او در امر خلافت و امامت. بدان که اهل سنت، منکر این خطبه اند و آنچه متضمن شکایت است در امر خلافت از خطب دیگر... و حق آن است که این از مقوله افراط است و کمال تعصب و عناد زیرا که مناقشه که میان صحابه در امر خلافت معلوم الضرورة است و... تخلف امیرالمؤمنین و اعیان بنی هاشم از بیعت، امری ظاهر است که دفع آن نمی توان کرد الا جاهل یا معاند.» (تنبیه الغافلین، ص ۴۷)

او سعی می کند به مناسبت های مختلف مذکور در کلام علی (ع)، ما را با وقایع

تاریخی صدر اسلام همچون داستان سقیفه آشنا کند.
در آخر این کتاب و ظاهراً به ابتکار ناسخ، خطبه بدون نقطه‌ای از حضرت علی
با این مطلع درج شده است: «الحمد لله الملك المحمود المالك المالك^{۱۷} الودود
مصور کل مولود و مال (با تشدید) کل مطرود.»

اما مؤلف کتاب *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، بر این باور است که این
خطبه را متأخرین به علی (ع) نسبت داده‌اند و آنگاه به کتاب *تنبيه العافلين* اشاره
می‌کند و می‌نویسد: «بعض متأخران دیگر نیز چنین نوشته‌اند، اما چون برای اثبات
حجیت و وثوق مصدر آن حجتی در بیان نیست، آن را در کتاب خود درج نکرده و
تنها به خطبه بدون نقطه دیگری با این مطلع اشاره نموده است: «الحمد لله اهل الحمد
و ماواه و له اوكد الحمد و اولاه...» (نهج السعادة، ۹۶/۱)

- بررسی کتاب *منهج الصادقين*

مهم‌ترین کتاب ملا فتح‌الله و ماندگارترین اثر او تفسیر جامع *منهج الصادقين فی
الزام المخالفين* است که معروف به تفسیر *منهج* یا تفسیر ملا فتح‌الله نیز می‌باشد. با
اینکه بیش از چهار قرن از زمان تدوین این کتاب ارزنده می‌گذرد، همچنان مورد
توجه محققان و قرآن‌پژوهان است. به عقیده بعضی محققان، معروف‌ترین کسی
است که به زبان فارسی در طریقه شیعه، تفسیر نوشته است. (تاریخ نظم و نثر در
ایران، ص ۳۷۴)

مرحوم معرفت، تفسیر *منهج* را در سنخ تفاسیر روایی و در بین ۱۴ تفسیر
معروف، ارزیابی می‌کند و می‌نویسد: «للمولا فتح فقيه متكلم صاحب نظر و اختیار
بالتفسير من علماء العهد الصفوی... و هو اول تفسير اشتهر وضعه باللغة العربية^{۱۸} و
طبع عدة مرات فی عشر مجلدات ثم ظهر تفسير ابي الفتوح الرازی فی عهد المتأخر و
الذی سبقه بالقرون و قد اعتمد المفسر علی اشهر التفاسیر المعتمده، منها تفسیر
ابی الفتوح و مجمع البیان و البیضاوی و الکشاف و قد اعتنی بالروایات اعتناء البالغ و
هو تفسیر جید لطیف.» (التفسیر و المفسرون، ۳۴۶/۲)

خانم جین دمن مک اولیف^{۱۸}، سرویراستار دائرة المعارف بزرگ قرآنی لایدن در کتاب ارزنده خود با عنوان مسیحیان در قرآن: بررسی تفاسیر قدیم و جدید، به بررسی دیدگاه‌های ده تن از مفسران در تفسیر هفت آیه از قرآن درباره مسیحیان پرداخته است. او ملا فتح‌الله را در ردیف ده دانشمند بزرگ تفسیر در حوزه اسلام آورده و برای نظرات او اهمیت خاصی قائل شده است. برای اهمیت این کار توجه کنید که ملا فتح‌الله در کنار چه کسانی در این تحقیق قرار گرفته: طبری، شیخ طوسی، زمخشری، ابوالفتح رازی، ابن جوزی، فخرالدین رازی، ابن کثیر، رشید رضا و علامه طباطبایی. از این میان، چهار مفسر، شیعه و بقیه از اهل سنت‌اند، دو تفسیر فارسی و بقیه عربی.

مرحوم استاد مطهری نیز کتاب منهج را تا سی‌چهل سال اخیر، یگانه تفسیر فارسی متداول معرفی می‌کند. (خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۴۶۱)

آیت الله بهجت نیز، از مراجع فعلی در توصیه به جوانان به خواندن این کتاب تفسیر می‌نویسند: «منهج الصادقین را کم و بیش مطالعه کنیم، بلکه از اول تا به آخر، چون کتاب فارسی است و کتاب خوبی هم هست. اگر بهتر از او پیدا نکنیم، عیب ندارد، اما کجا پیدا می‌شود بهتر از او که معتبر باشد؟» (به نقل از سایت تبیان)

این کتاب در دوره اخیر با اهتمام و تصحیح مرحوم شعرانی به چاپ رسیده است. آن بزرگوار نیز مقدمه‌ای بر این کتاب نگاشته است و در آن، ضمن بحث در باب بعضی مسائل علوم قرآنی، به تفصیل به صیانت قرآن از تحریف پرداخته است. او علاوه بر این، به بعضی مسائل و سؤالات مطروحه در باب تفسیر منهج، همچون مراجعه فراوان مؤلف به اقوال عامه و اسرائیلیات و اخبار آحاد پاسخ داده و جایگاه موارد فوق را در تفسیر بررسی کرده است. همچنین مرحوم شعرانی، انواع تفاسیر را به اجمال معرفی نموده و ضمن آنکه تفسیر را وظیفه معصوم می‌داند، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری را مجعول دانسته است. (بر خلاف ملا فتح‌الله که به آن استناد نموده است).

البته مرحوم شعرانی بر جلد دو نیز مقدمه‌ای دیگر نوشته که بیشتر ناظر به سؤالات و اشکالاتی است که راجع به این تفسیر ایجاد شده است. وی ابتدا ضمن بیان طریقه مؤلف در تفسیر به بیان جایگاه تفاسیر جدید (المنار و طنطاوی) پرداخته و نیم‌نگاهی نیز به تفسیر فیض و صافی دارد.

تفسیر گران‌قدر منهج الصادقین، مشتمل بر مقدمه‌ای طولانی است دربردارنده ده فصل: اسامی بعضی از قرآنی قرآن و صحت اسناد قرائت سبعة؛ ذکر اسامی قرآن و سوره و آیه و وجه تسمیه هر یک؛ اصح اعداد آیات قرآنی و فایده و معرفت آن و تبیین معنا و تفسیر و تأویل و تفسیر نزول قرآن علی سبعة احرف. مفصل‌ترین قسمت مقدمه در ذکر احادیث و اخبار دال بر ترغیب قرائت قرآن و دانستن معانی فرقان می‌باشد.

فصل هفتم این مقدمه را به بحث از مصونیت قرآن از زیاده و تحریف اختصاص داده تا دامن تشیع را از این اتهام مبرا گرداند (منهج الصادقین، ۱۲/۱) چنان‌که قبل از او شیخ بهایی، صدوق، مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، طبرسی، علامه، شیخ حر عاملی و بعد از او میرزای آشتیانی، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد جواد بلاغی، سید هبة‌الدین شهرستانی، میرزا مهدی شیرازی، سید علی نقی نقوی لکهنوی، علامه مجلسی، مرعشی نجفی، سید شرف‌الدین و سید ابوالقاسم خویی، در رفع این اتهام کوشیدند.^{۱۹} از دیدگاه وی، «علمی که مثمر سعادت اخروی و مصالح امور دنیوی است، علم قرآن است» به این دلیل که «مأخذ اصول شریعت مصطفوی و مصدر فروع نبوی است که عمل به آن، سبب رستگاری دنیا و عقبی است». او در تأیید این دیدگاه خود از روایات ائمه معصومین بهره می‌گیرد. (همان، ص ۲)

مرحوم ملا فتح‌الله در مقدمه خود متذکر می‌شود که به واسطه عدم توانایی بهره‌برداری عموم مردم از تفاسیر عربی و مغلق بودن تفاسیر فارسی به همراه تفصیل موجود در این تفاسیر و یا ایجاز فراوان و یا کثرت استفاده از الفاظ فارسی قدیم به اندیشه تدوین کتاب دست یافته و این البته ناظر به تفسیر کاشفی نیز بوده

است، چه آن تفسیر «اگرچه به جواهر عبارات بلیغه و لآلی فصیحه، محلی بود اما چون که موافق روش مخالفین و مخالف مذهب ائمه صادقین بود صلوات الله علیهم اجمعین، در نظر اعتبار، مار زرنگار می نمود چه ظاهر آن مزین بود به نقوش جمیله و باطنش مملو از سموم عقاید قاتله.» (همان، ص ۴)

او در تدوین این کتاب با اصل قرار دادن قرائات سبعة در تقریر و تفسیر آیات (همان جا) علاوه بر آنکه از تفاسیر قدیم بهره می جوید، دست به کاوش در منابع و کتب تاریخ و کلام و حدیث و فقه و اصول نیز زده و به خصوص از تفاسیر فارسی قبل خود نیز بهره برده است (همان جا) بدین منظور که تفسیری از آن انتخاب نماید که مبتنی باشد بر حل معانی قرآن بر طبق قرائت سبعة که مسلم الثبوت و مجمع علیه جمیع موافق و مخالف است. (همان جا) در نتیجه، تفسیری تدوین نموده مشمول موارد ذیل:

- ذکر اسرار و نکات و اسباب نزول

- احادیث

- قصص ائمه هدی

- فضل سور و آیات و وجه ارتباط آن

- بیان مسایل فقهی

- مباحث لغوی و اعراب در حد میانه

- رفع شبهات مخالفان و ابطال مذهب ایشان همان

و در پایان این مقدمه، وجه تسمیه کتاب را چنین یاد می کند: «چون مقصد اقصی و مطلب اعلی از این منتخب ایضاح طریق ائمه صادقین است به حجج واضح و الزام مخالفین به براهین باهره از این جهت مسمی شد به منهج الصادقین فی الزام المخالفین.» (همان، ص ۴-۵)

او در تفسیر خود، ترجمه را در ضمن تفسیر می آورد و با همراه کردن شأن نزول آیات و مباحث ادبی و بلاغی، توجه خاصی به اقوال عامه و قصص وارده در باب

تفسیر قرآن دارد. تفسیر بیضاوی و مباحث ادبی و کشف زمخشری نیز مورد توجه ویژه اوست، اما اینکه بعضی محققین، ترجمه خواص زواره‌ای را نیز از مصادر این تفسیر دانسته‌اند (سیر تطور تفاسیر شیعه، ص ۸۷ و آشنایی با تفاسیر، ص ۲۰۱) شاهدی بر آن ارائه نداده‌اند و نگارنده نیز موردی بر آن نیافت.

تفسیر او تفسیری ترتیبی و جامع از قرآن کریم است. او در ابتدای هر سوره به نقل ابی ابن کعب فضل سور را بیان می‌کند (هر چند محققین در صحت این استناد و نقل تردیدهای جدی دارند. (سبحانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲۳) ابتدا سعی می‌کند که به گونه‌ای بین آن و سوره قبل ارتباط معنایی ایجاد کند.

از نکات مورد توجه او در این تفسیر اهتمام ویژه او به دفاع از جایگاه اهل بیت و مقام شامخ آن بزرگواران است که در این باب نیز سعی عمده او تلاش از استفاده از منابع اهل تسنن است.

همین کثرت استفاده از روایات است که سبب شده محققین، تفسیر منهج را از قسم تفاسیر روایی بدانند (التفسیر و المفسرون، ۱/۳۴۶) هر چند صحیح‌تر آن است که این تفسیر از قسم تفاسیر واعظانه است. (روش‌شناسی تفسیر منهج الصادقین، ص ۲۲۸)

اما آنچه علامه آقا بزرگ تهرانی در *الذریعه* یادآور شده که «... ذکر فی خطبه انه اورد كثيرا من اخبار العامة الزاما لهم (۲۳/۱۹۳-۱۹۴ و کشف الحجب، ص ۵۶۸) صحیح به نظر نمی‌رسد چه آنکه در خطبه ابتدای کتاب چنین مطلبی یافت نشد، هر چند طریقه ملا فتح‌الله در تفسیر چنین است و او بر روایات عامه، فراوان در اثبات نظریات خود استناد می‌نماید.

در بین راویان عامه، بیشترین روایت منقول در این تفسیر از آن ابوهریره است. لازم به ذکر است که اعتماد و استفاده و ذکر روایات موثق اهل سنت وی، در کتب تفاسیر قبل و بعد از ملا فتح‌الله در کتب تفاسیر متعدد شیعه همچون کتاب تفسیر *الصادق* فیض کاشانی، تفسیر *ابوالفتوح رازی* و تفسیر *مجمع البیان* به چشم

می خورد، همچنان که در کتب غیر تفسیری مانند *جامع السعادات* نراقسی و شرح *الکمه*، این سنت ادامه یافته است. ملا هر جا روایتی را آورده، معنای فارسی آن را نیز به سان قرآن بیان کرده است. از اشعار فارسی و عربی زیادی نیز بهره گرفته، هر چند نام شاعر را مشخص نکرده است.

از دیگر موارد قابل توجه مؤلف، کثرت بیان اقوال عرفا و صوفیان است که در مواردی رنگ و بوی تفاسیر عرفانی را به این تفسیر جامع می دهد. او از ابن عربی و سلمی بیش از دیگران بهره می برد و در جای جای تفسیر، به متون مهم عرفانی همچون *روح الارواح* (از شهاب الدین منصور سمعانی)، *مصابیح القلوب* (منهج الصادقین، ۴۲۲/۸)، *قوت القلوب* (۵ و ۱۰۶/ ۲۰۱)، *کشف الاسرار* (۵۶۳/۵)، *لوامع* (۳۴۱/۷)، *لطایف* (۱۴۳/۱۰)، *تأویلات ماتریدی و انوار* (۳۵۳/۳؛ ۳۴۰/۷ و ۳۴۱؛ ۳۵۷/۴) استناد کرده و در مواردی دیگر به بیان تفاسیر عرفانی قشیری (۴۳۰/۱) و (۳۴۱/۷)، بکر ابن عبید (۱۸۳/۱۰)، ابوسعید ابوالخیر (۳/ ۴۳۲) ابوالقاسم بلخی (۱۸۳/۱۰)، شیخ حمید (۱۶۰/۹ و ۳۴۱/۷)، ابن عطا (۱۶۰/۹)، خواجه پارسا (۳۴۱/۷)، ماتریدی (۴۲۹/۵)، قاسم انوار (۳۴۱/۷)، سفیان ثوری (۳۸۷/۶)، شبلی و شیخ نجم الدین دایه در *بحر الحقایق* (۱۶۰/۹) می پردازد.

مرحوم مرتضوی، یکی از مصححین *منهج الصادقین* در چند مورد به نقد بیان تفاسیر عرفانی در تفاسیر واعظانه می پردازد و پرداختن به این اقوال را مناسب این کتاب نمی داند. این نقد البته با توجه به آنکه مفسر گران قدر نیز مخاطب خود را، عامه مردم می داند (همان، ۴/۱) قابل قبول است.

شدیدترین این حملات مصحح به این رویه مفسر مربوط به تفسیر آیه بیست و چهارم سوره نازعات (أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى) است که ملا به قول یکی از عرفا استناد کرده که «یکی از عرفا مناجات کرد که خداوندا این چه حال است که فرعون أْنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى گفت و حسین منصور حلاج (انا الحق) هر دو یک دعوی کردند، روح حسین در علین است و از آن فرعون در سجین. هاتقی آواز داد که فرعون به

خودبینی در افتاد و همه خود را دید و خود را گم کرد. پس در میان فرق بسیار است.» (همان، ۱۰/۱۴۴)

مصحح (آقای مرتضوی)، از این رویه مفسر انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «باز هم ذوق عارفانه مرحوم مؤلف به اهتزاز آمده و سخن یکی از اقطاب صوفیه را که آن علاءالدوله سمنانی و سرسلسله صوفیه علائیه است، نقل نموده ولی قسمتی از کلمات وی را ذکر نکرده است...»

تعجب است از مرحوم مؤلف که این کتاب را به عنوان تفسیر قرآن کریم، تألیف و آن را *منهج الصادقین فی الزام المخالفین* نامیده، مع الوصف در مواضع عدیده کثیری از اراجیف و اکاذیب و خرافات و اوهام جمعی از صوفیه را نقل نموده که هم از نظر اکابر علمای شیعه مانند شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ بهایی و امثالهم بلکه جمعی از علمای عامه نیز چون ابن جوزی در *تلیس ابلیس* و ابن الندیم در *فهرست*، محکوم به کفر و الحاد و حلول و اتحادند و هم از معاندین ائمه طاهرین علیهم السلام به شمار آمده‌اند و اعجب از این، نگارشات بعض معاصرین است در اینجا که خواسته محمل صحیحی از برای کلمات کفرآمیز حسین حلاج درست کند.» (همان‌جا)

البته در موارد دیگری، مباحث فقهی را نیز ارائه و نظر خود را بیان می‌کند. (همان، ص ۲۴ و ۹/۱۵۴) نکته دیگر این کتاب، ذکر روایات مردود و تواریخ مجعول و اسرائیلیات است که قابل بررسی است همانند اسلام آوردن قیصر بعد از درد چشم و شفای او توسط نامه‌ای از حضرت علی با محتوای بسمله (همان، ۱/۳۴) که صحیح به نظر نمی‌رسد چه آنکه اگر قیصر روم این تغییر آیین را داده بود، در کتب تاریخ معروف و مشهور بود و سبب اشتهاار اسلام در حوزه امپراتوری روم می‌شد.

بررسی یک ادعا

صاحب کتاب *لباب الالقباب* می‌نویسد: «گفته شده که تفسیر معروف فارسی او، *منهج الصادقین*، در هنگام فوت او ناتمام ماند و داماد او آن را به پایان رسانید.»

(لباب الالقباب، ص ۸۲ - ۸۳)

در رد این قول ضعیف موارد ذیل قابل ذکر است:

- صاحب منهج، خود در ابتدای کتاب می‌نویسد: «و بر پنج مجلد ترتیب یافت به جهت موافقت آن به عدد آل عبا اثر تیمن و تبرک پذیرفته، علی احسن التصرف و النظام سمت اختتام یابد.» (منهج الصادقین، ۵/۱)

- دوم آنکه اگر او، خود، تفسیر را به اتمام نرسانده بود، چگونه کتب تلخیص منهج را به فارسی و عربی بازگردانده است.

نتیجه‌گیری

با تغییر اوضاع سیاسی ایران در دوران صفوی، علمای شیعه حداکثر استفاده را برای ترویج معارف تشیع بهره‌برداری کردند. در این دوره، به خصوص گرایش به تدوین کتب فارسی جهت استفاده عموم مردم، مورد توجه علمای دین قرار گرفت. ملا فتح‌الله کاشانی و استاد وی، زواره‌ای از جمله کسانی هستند که با تدوین کتب تفسیری فارسی و ترجمه متون دینی همچون نهج البلاغه و احتجاج طبرسی سعی وافری در این راه نمودند. کتاب تفسیری منهج الصادقین از ملا فتح‌الله که نوعی تفسیر ترتیبی و واعظانه است، همچنان بعد از گذشت چهار قرن دارای جایگاهی ویژه در تفاسیر فارسی و عام است که توجه خاصی به روایات اهل بیت در تفسیر قرآن دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابراهیم / ۵
۲. البته مرحوم معرفت، بحثی در باب دلایل عدم ترجمه قرآن نه نگارش تفسیر به زبان‌های غیر عربی دارد که به طور مستوفی، فصل سوم کتاب بسیار ارزشمند تفسیر و مفسران را به آن اختصاص داده است. آن بزرگوار بر این باور است که مهم‌ترین دلیل برای عدم ترجمه در قرون اخیر، نقشه‌های استعماری و فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان می‌باشد. جای تعجب است که ایشان در این باب می‌نویسد: «تنها در سده‌های اخیر - در قلمرو حکومت عثمانی و در بخش‌های عرب‌نشین آن مثل سوریه و مصر - سخن از عدم جواز ترجمه قرآن به میان آمده است.» (تفسیر و مفسران، ص ۱۱۸) در حالی که با توجه به آنچه گفتیم، مشخص است که این تردید از ابتدای اولین ترجمه‌ها مطرح بوده است.
۳. علاقه‌مندان به آشنایی به تاریخ تدوین و نوع نگارش و نیز آشنایی با این متون می‌توانند به کتاب هزار سال تفسیر فارسی، نگاشته دکتر سید حسین نصری و منوچهر دانش‌پژوه، از انتشارات البرز (تهران، ۱۳۷۹) مراجعه نمایند.
۴. برای تحقیق بیشتر ر.ک: کاوش‌های تازه در باب روزگار صفوی، رسول جعفریان، انتشارات ادیان، قم، ۱۳۸۴، نفوذ دویست ساله خاندان محقق کرکی در سازمان دینی - سیاسی دولت صفوی. (ص ۷۹-۱۵۳)
۵. این داستان تا زمان ما نیز ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. داستان برخورداری از رانته‌ها و سرمایه‌ها برای بی‌مقداران در حوزه علم و زد و بند با ناشران و صاحبان مجلات تخصصی، قصه پر غصه صاحبان فضل و قلم بوده است. چنین است که مؤلفینی با کمترین تحقیق، آثار خود را به چاپ چندم می‌رسانند و آنگه طلبه یا دانشجوی محقق‌ی که عنوان بهترین پایان‌نامه سال را دارد، سال‌ها به دنبال یک ناشر خوب است.
۶. و نیز ر.ک: مستدرک سفینه البحار، ۲۵۶/۵؛ معجم المؤلفین، ص ۶۱۲ و فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا ۱۴ هجری، ص ۲۸۰.
۷. هر چند وی در طبقات (۳۹۳/۸) صرفاً تاریخ ۹۸۸ ه.ق را می‌پذیرد.
۸. البته لازم است ذکر شود که متأسفانه این مقبره در طول سالیان دراز به سبب عدم توجه مسئولان ذیربط، صدمات جدی دیده بود که خوشبختانه در طول دو سال گذشته و به همت اداره میراث بازسازی اولیه در آن صورت گرفته و امید است که با ادامه این کار، شاهد بنایی در خور شخصیت آن مفسر عالی‌مقام باشیم.
۹. فتح‌الله شیرازی (۹۲۰ - ۹۹۷ ق) (۱۵۱۴ - ۱۵۸۹ م) از سادات شیراز که در حدیث و فقه و

- اصول و ادب و نجوم و هیئت و حساب و کیمیا به درجه کمال رسید. فیض درباره او گفته: بر او دانشوری شد ختم، نازم بر خداوندی / که در یک ذات پنهان کرد عالم دانش. تصانیف وی عبارت‌اند از: *تکمله حاشیه علامه دوانی بر تهذیب المنطق، حالات و عجایب کشمیر، تألیف بعضی از اجزای تاریخ الفی و...* (تذکره علمای امامیه پاکستان، ص ۲۷) نیز در ترجمه ریاض (۴ / ۳۹۱) از فتح‌الله حسینی سلامی شاهی نام برده که به گمان وی در اواخر عمر در هندوستان ساکن بوده است. او را از علمای صفویه دانسته و وی را چنین معرفی نموده: سید اجل امیر کمال‌الدین فتح‌الله بن هبه‌الله بن عطاء‌الله حسنی حسینی سلامی شاهی.
۱۰. انتقال اجساد علما و چه بسا اشخاص عادی به اماکن مقدسه عراق در زمان‌های نه چندان دور، رایج و بافضیلت شمرده می‌شود از جمله انتقال جنازه نراقیین.
 ۱۱. برای اطلاع از زندگی او ر.ک: شرح حال کاملی از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای و آثار وی و اشتباه شرح حال‌نویسان در توصیف او با غیاث‌الدین جمشید کاشانی. (مفسری گمنام و تفسیر او، ص ۳۷)
 ۱۲. امروزه هیچ یک از سه تفسیر طبری، ابوالفتح گازر و *جواهر التفسیر* ملاحسین واعظ کاشفی، بین فارسی‌زبانان به اندازه *منهج الصادقین* شهرت ندارد.
 ۱۳. نسخه خطی آن در کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) موجود است.
 ۱۴. نیز ر.ک: *موسوعة طبقات الفقهاء*، ۱۰ / ۱۹۹.
 ۱۵. مرحوم آقا بزرگ تهرانی در معرفی کتاب *تنبيه الغافلین* می‌نویسد: «هو اول من كتب العلوم و المعارف بالفارسیة فی العصر الصفوی کما فی الرياض». (الذریعه، ۲۳ / ۱۹۵) معلوم نیست چرا با توجه به مؤلفات فراوان در عهد صفویه، خصوصاً از زواره‌ای، استاد مسالفتح‌الله و بسیاری دیگر، این کتاب را اولین کتاب فارسی مدوّن در عهد صفوی دانسته است.
 ۱۶. *ریحانة الادب*، ۲۰/۵؛ *الذریعه*، ۴ / ۴۴۷ و همچنین: *مصادر نهج البلاغه*، ۱، ۲۳۰؛ *ریاض العلماء*، ص ۳۱۸ - ۳۱۹؛ *روضات الجنات*، ۵ / ص ۳۳۰ - ۳۳۱ و *فوائد الرضویه*، ص ۳۴۵.
 ۱۷. این تشابه در مورد تفسیر *منهج* و تشابه آن با تفسیر *گازر* نیز مطرح است که مرحوم محدث ارموی به تفصیل در این باب، در مقدمه تفسیر *گازر* به آن پرداخته است.
 ۱۸. در نسخه چنین است و ظاهراً اشتباه شده و باید «الملک» صحیح باشد.
 ۱۹. اشتباه شده و منظور فارسی بوده است.
 ۲۰. جین دمن مک اولیف (Jane D. Mc Auliffe)، استاد فعلی مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون است. وی در سال ۱۹۷۹م، فوق لیسانس خود را در زمینه مطالعات ادیان از دانشگاه تورنتو کانادا دریافت کرد و در سال ۱۹۸۴م، موفق به کسب دکتری مطالعات اسلامی از همان دانشگاه شد. از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰م، استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه تورنتو

منابع

- قرآن کریم؛
- آشنایی با تفاسیر؛ رضا استادی، قدس، قم، ۱۳۸۳.
- اعیان الشیعه؛ محسن امین، تحقیق حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق
- تاریخ کاشان؛ عبدالرحیم کلانتر ضرابی، با کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۹۶۳م.
- تذکره علمای امامیه پاکستان؛ سید حسین عارف تقوی، ترجمه دکتر محمد هاشم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰ش.
- الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- روش‌شناسی تفسیر منهج الصادقین؛ حمیدرضا فهیمی تبار، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۶ و ۴۷، ۱۳۸۵.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلا؛ میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ترجمه محمدباقر ساعدی، ج ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۵.
- سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی؛ محمدتقی بهار (ملک الشعراء)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.
- سیر تطوّر تفاسیر شیعه؛ سید محمدعلی ایازی، کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۱.
- طبقات اعلام الشیعه: الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشره؛ محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، تحقیق علی منزوی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹.
- فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا ۱۴ هجری؛ آذر تفضلی و مهین فضائلی جوان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
- فوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة؛ شیخ عباس قمی، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- کاوش‌های تازه در باب روزگار صفوی؛ رسول جعفریان، انتشارات ادیان، قم، ۱۳۸۴.
- کشف الحجب و الاستار عن احوال الکتب و الاسفار؛ اعجاز حسین کنتوری، مکتبه آیت الله المرعشی، قم، ۱۴۰۹ق.
- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون؛ حاجی خلیفه، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۰م.
- مطلع الانوار: احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند؛ سید مرتضی حسین صدر الافاضل، ترجمه دکتر محمد هاشم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴ش.

- معجم المؤلفين؛ عمر رضا كحاله، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۹۹۳م.
- موسوعة طبقات الفقهاء؛ جعفر سبحانی، مؤسسه امام صادق(ع)، قم، ۱۴۱۸ق.
- نخستین مفسران پارسی نویسنده (کتاب اول)؛ موسی درودی، نور فاطمه، تهران، بی تا.
- هزار سال تفسیر فارسی (سیری در متون کهن تفسیری پارسی با شرح و توضیحات)؛ سید حسن سادات نصری و منوچهر دانش پزوه، چ ۱، البرز، تهران، ۱۳۶۹.
- ترجمه تفسیر طبری؛ گروه مترجمان، با تحقیق حبیب یغمایی، چ ۲، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۵۶ش.
- مفسری گمنام و تفسیر او؛ غلامرضا گلی زواره، آیین پژوهش، شماره پیاپی ۲۳ (۳۷-۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۷۲.
- تفسیر ترجمه الخواص؛ غلامرضا گلی زواره، آیین پژوهش، سال دوم، شماره سوم (۳۹-۴۸)، مهر و آبان ۱۳۷۰.
- نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه؛ شیخ محمدباقر محمودی، چ ۱، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۶ق.
- ریحانة الادب: فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب؛ محمدعلی مدرس، خیام، تهران، ۱۳۶۹.
- خدمات متقابل اسلام و ایران؛ مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
- التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب؛ محمدهادی معرفت، منشورات الجامعة الرضویه، قم، ۱۳۷۷.
- تحریف ناپذیری قرآن؛ محمدهادی معرفت، ترجمه علی نصیری، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- تفسیر و مفسران؛ محمدهادی معرفت، چ ۱، مؤسسه التمهید، قم، ۱۳۷۹.
- لباب الالقب؛ ملا حبیب الله شریف کاشانی، بی نا، بی جا، بی تا.
- منهج الصادقین و الزام المخالفین؛ ملا فتح الله کاشانی، تصحیح علی اکبر غفاری و پاورقی ابوالحسن مرتضوی، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶.
- منهج الصادقین و الزام المخالفین؛ ملا فتح الله کاشانی، تصحیح علامه شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۴۷.
- تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين؛ ملا فتح الله کاشانی، به اهتمام حاج ملا شکرالله رازی لواسانی طهرانی، بی نا، تهران، ۱۳۰۵.
- روضات الجنات فی الاحوال العلماء و السادات؛ محمدباقر الموسوی الخوانساری الاصفهانی، تحقیق و شرح محمدعلی روضاتی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ق.

- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری؛ سعید نفیسی، فروغی، تهران، ۱۳۶۳.
- مستدرک سفینه البحار؛ شیخ علی نمازی، تصحیح شیخ حسن بن علی النمازی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، بی تا.

فصلنامه
کاشان شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۴۸۹

